

مطالعه نقش مستقیم و غیر مستقیم باسوادی بزرگسالان دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میلادی بر ادراک فساد در دهه اخیر*

حسین احمدی*، علی محمد حاضری**

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰)

چکیده

در ریشه‌یابی فساد به عوامل متعددی توجه شده لیکن در مورد عامل باسوادی بزرگسالان مطالعه محدودتری صورت گرفته است. هدف این تحقیق مطالعه تأثیر عامل باسوادی بزرگسالان و مکانیسم‌های واسط در کاهش فساد است. مطالعه با استفاده از داده‌های بین‌المللی انجام شده است. میانگین دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و ارتباط آن‌ها با ادراک فساد در دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ در بین ۱۸۰ کشور که داده‌های آن‌ها در دسترس بوده مطالعه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند رابطه مثبت بین شاخص‌های آموزش و ادراک فساد (میزان پاکی کشورها) مورد تأیید است. علاوه بر اثر مستقیم باسوادی بزرگسالان اثر غیر مستقیم این متغیر از طریق پوشش تحصیلی (شاخص عدالت آموزشی) و نسبت دانش آموز به معلم (شاخص دموکراسی در کلاس درس) و نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان (شاخص برابری جنسیتی) نیز تأیید شده است.

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2022.117506.1314>

* مقاله علمی: پژوهشی

* . استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Hahmadi6@gmail.com

** . دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Hazeri_a@modares.ac.ir

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، ص ۷۲-۵۰

مفاهیم اصلی: باسوادی بزرگسالان، برابری جنسیتی، عدالت آموزشی، کاهش فساد، نسبت دانش‌آموز به معلم

مقدمه و بیان مسأله

توافق نظر در مورد بد بودن فساد، امری همگانی بوده و وجود فساد نشانه نامطلوب بودن وضعیت جامعه است (Buchan and Hill, 2014; Bukanovsky, 2006)، به همین دلیل توجه به مسئله فساد به‌ویژه در ربع قرن اخیر به دغدغه عمومی فعالان حوزه‌های مختلف تبدیل شده تا جایی که ولفنسون رئیس وقت بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ در سخنرانی مشهور خود از فساد به عنوان یک سرطان اجتماعی نام می‌برد (Heywood, 2018; Sampson, 2019, 277). نهادهای مختلف بین‌المللی برای رسیدن به هدف مهم مبارزه با فساد، راه کارهای متفاوتی ارائه داده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به بانک جهانی، شفافیت بین‌الملل و انجمن اقتصاد جهانی اشاره کرد (Heywood, 2018). این راهکارها، علیرغم وجود زمینه‌های داخلی و خارجی به‌شکل عمده‌ای شکست خورده‌اند (Heywood, 2018; Uslaner, 2017).

دانشمندان حوزه‌های مختلف به عوامل متفاوت و اشکال مختلف فساد توجه کرده‌اند؛ که این تحقیقات از سطوح کلان و بین‌ملتی تا سطح خرد و عوامل مرتبط با آن را در برمی‌گیرد (معیدفر و احمدی، ۱۳۸۹؛ حقیقتیان، کریمی زاده و نظری، ۱۳۹۱: ۱۲۹؛ حسن دوست فرخانی و دیگران، ۱۳۹۳؛ حسینی هاشم زاده و حبیبی، ۱۳۹۱؛ خندان، ۱۳۹۵؛ فاضلی و جلیلی، ۱۳۹۷؛ مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱؛ Justesen and Bjørnskov, 2014; Lambsdorf, 2006; lambsdorf et al., 2015). دلایل هر کدام از محققان برای انتخاب سطح تحلیل خود متفاوت است. در کل سنجش فساد حداقل با سه شیوه کلی صورت می‌گیرد: ۱- پیمایش دیدگاه‌ها و نظرات شرکت‌ها، مقامات دولتی، شهروندان، متخصصان و ناظران خارجی و بخش خصوصی؛ ۲- روش‌های خرد که فساد را در سطح سازمان‌ها و با توجه به ویژگی‌های نهادی آن‌ها بررسی می‌کنند؛ ۳- حسابرسی دقیق پروژه‌ها که با بررسی اسناد مالی و همچنین مقایسه میان ارزش مادی واقعی پروژه‌ها و هزینه‌های مصرف شده برای آن‌ها انجام می‌شود. از روش‌های دیگر نیز بنا به مقتضیات خاص پروژه‌ها و میزان اطلاعات در دسترس استفاده شده است. مهم‌ترین ویژگی روش‌های نوع دوم، نشان دادن زمینه‌های خاص بروز و چگونگی مهیا شدن شرایط فساد است، هر چند این روش‌ها غالباً قادر نیستند مقدار ارزش مالی فساد صورت گرفته را مشخص کنند. روش‌های دوم و سوم نیز برای مقایسه میان کشورها مناسب نیستند (حقیقتیان و سیف زاده، ۱۳۹۴: ۵۵). انتقادات متعددی بر هر کدام از این روش‌های سنجش صورت گرفته و بعضی محققان روش‌های جایگزین را بنا بر مقتضیات تحقیق‌شان در پیش گرفته‌اند (Sharafutdinova, 2010). به‌عنوان نمونه گلیزر و ساکز (۲۰۰۶) در مقایسه میزان فساد بین

ایالت‌های مختلف ایالات متحده، با این نقد که تصور مردم هر کشور از فساد با سایر کشورها متفاوت است، از شاخص تعداد مقاماتی که به خاطر فساد محاکمه شده‌اند استفاده می‌کنند (Glaeser and Saks, 2006: 1054)، یا تریزمن (۲۰۰۷) تجربه رشوه را برای محاسبه فساد مورد توجه قرار می‌دهد (Treisman, 2007). لازم به ذکر است که خود این شاخص‌ها نیز تابعی از شرایط هر کشور بوده و امکان مقایسه در مورد اغلب کشورها را فراهم نمی‌سازد. به‌عنوان نمونه شاخص مورد نظر گلیزر و ساکز (۲۰۰۶) در برخی کشورها به خاطر محدودیت‌های مرتبط با قانون‌گذاری یا بحثی نظیر عوام‌گرایی کیفی فاقد اعتبار است (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۳؛ فرجی‌ها و جوادی، ۱۳۹۳: ۱۴۶). تراکس نقدی که به تحقیقات کلان با استفاده از داده‌های تطبیقی دارد این است که این نوع تحقیقات ممکن است رابطه متقابل این دسته از متغیرها در داخل کشورهای خاصی را نادیده بگیرند (Truex, 2011: 1134). با وجود این انتقادات، محققان مختلف به خاطر کمبودهای ناشی از داده‌های درون کشوری ناگزیر از داده‌های بین‌المللی مرتبط با پیمایش‌های جهانی سود جسته‌اند (Montinola and Jackman, 2002; Pellegrini and Gerlagh, 2008؛ چلبی و اکبری، ۱۳۸۴). در این کار پژوهشی نیز که نگارندگان درصدد مطالعه تطبیقی در سطح کلان می‌باشند بر سنجش‌های نوع اول اتکا شده است.

با وجود این که در مطالعه فساد سیاسی به عوامل مختلفی توجه شده است، شاخص‌های مرتبط با باسوادی جمعیت از متغیرهای جدید مورد توجه محققان حوزه فساد محسوب می‌شوند. یادگیری به‌عنوان عاملی برای جهت دادن به رویکردها و کنش‌های اخلاقی (Hauk & Marti, 2002; Hyman & Wright, 1979)، تحمل گروه‌های ناسازگار (Bobo & Licari, 1989) تعهد به آزادی‌های مدنی و مخالفت با سرکوب دولت (Hall, Rodegheir, & Useem, 1986) و واکنش در مقابل فساد (Glaeser and Saks, 2006; Truex, 2011; Uslander, 2017) مد نظر قرار گرفته است.

این تحقیق درصدد است نقش باسوادی بزرگسالان به عنوان شاخص آموزش عمومی و اثرگذاری آن به‌شکل مستقیم و غیر مستقیم از طریق تعیین وضعیت سایر شاخص‌های درون نظام آموزشی بر کاهش فساد را مد نظر قرار دهد. بنابراین سؤال این است که آیا باسوادی بزرگسالان بر روی کاهش فساد در بین کشورهای مختلف مؤثر است؟ و شاخص‌های متفاوت نظام آموزشی (مانند پوشش تحصیلی، نسبت دانش‌آموز به معلم، نسبت جنسیتی، و ...) در این زمینه چگونه عمل می‌کنند؟

مبانی و رویکردهای نظری

آموزش در مورد تعریف بین‌المللی فساد به برخی دشواری‌های مفهومی اشاره شده است (Anderson & Heywood, 2008: 746)، ولی کمبودی از نظر منابع تعریف این مفهوم وجود ندارد و

تعریف واضح و جامعی که از فساد توسط سازمان شفافیت بین‌الملل ارائه شده آن را سوءاستفاده از قدرت برای منافع خصوصی و شخصی می‌داند (Anderson & Heywood, 2008: 748). فساد فعالیت‌های غیرقانونی پنهانی را در بر می‌گیرد و فقط زمانی روشن می‌شود که رسوایی‌ها، پرس‌وجوها و پیگردهای قانونی رخ می‌دهند. به همین دلیل محققان دانشگاهی تاکنون نتوانسته‌اند مقیاس‌های عینی برای محاسبه مستقیم آن پیدا کنند و محاسبه شاخص ادراک فساد داده‌های ترکیبی نسبتاً معتبری را در این زمینه در اختیار ما قرار می‌دهد (Transparency International, 2020: 1; Sharafutdinova, 2010). بنابراین در این مطالعه، متغیر فساد در قالب میزان ادراک فساد (یا عدم فساد) گزارش شده برای هر کدام از کشورها توسط سازمان شفافیت بین‌المللی مد نظر قرار گرفته است. یک نهاد اجتماعی است که از طریق آن جامعه به کودکانش اصول پایه‌ای دانش، مهارت‌های یادگیری و هنجارهای فرهنگی را می‌آموزد (Little, 2014). برای سنجش مفهوم آموزش از شاخص‌های مختلف استفاده شده است. عده‌ای این مفهوم را در ساده‌ترین سطح خواندن و نوشتن می‌دانند و عده‌ای منظور از دست‌یابی به آموزش را سطحی می‌دانند که حضور در سازمان‌های آموزشی مهارت‌های موردنیاز فرد را برای زندگی در دنیای متغیر و جهان‌وطنی کنونی به وی منتقل سازد. مثلاً گلیرز و ساکز افرادی را باسواد در نظر گرفته‌اند که دارای تحصیلات دانشگاهی ۴ سال و بالاتر باشند (Glaeser and saks, 2006: 1059). در این مطالعه آموزش را فرآیندی در نظر گرفته‌ایم که نهایتاً به کسب سواد از نظر آمارهای بین‌المللی منجر می‌شود. صرف‌نظر از تمام پیچیدگی‌های تعریف آموزش توسط سازمان‌های مختلف بین‌المللی، برای سنجش این متغیر از شاخص نرخ باسوادی منتشر شده توسط بانک جهانی و یونسکو استفاده می‌کنیم که طبق تعریف سازمان مذکور باسوادی عبارت است از توانایی خواندن، نوشتن و فهم یک جمله ساده در زندگی روزمره به همراه مهارت‌های ساده حساب کردن (UNESCO Institute for Statistics¹). که نرخ‌های مذکور از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ به شکل متناوب برای کشورهای مختلف در دسترس است.

شاخص‌های آموزشی عبارت است از آمارهایی که وضعیت ابعاد کلیدی آموزش را توصیف می‌کند. این آمارها ارزیابی و کنترل مدارس، معلمان، برنامه‌های درسی و دانش آموزان را ممکن می‌سازد (Creemers & Kyriakides, 2010: 193). در این زمینه شاخص‌های مختلفی در دسترس است که در این مطالعه از شاخص‌هایی مانند نرخ تعداد دانش‌آموزان به معلم (در دوره‌های مختلف)، دانش‌آموزان محروم از تحصیل، و نسبت جنسیتی استفاده شده است.

Article I. رویکردهای نظری

¹. <http://uis.unesco.org/en/glossary-term/literacy>

ایده بخش مهمی از مباحث تجربی و تئوریک این است که آموزش مانعی جدی برای فساد محسوب می‌شود. بر اساس ایده این دسته از نویسندگان و محققان گسترش آموزش همگانی هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیر مستقیم بر کاهش فساد مؤثر است (Lipset, 1960; Glaeser and Saks, 2006; Truex, 2011; Lindstedt and Naurin, 2010).

در حالت مستقیم آن آموزش و افزایش نرخ باسوادی بزرگسالان می‌تواند نوعی تغییر کیفیت در زندگی مردم ایجاد کرده و مانع افزایش فساد شود. حاکمیت زمامداران فاسد بر مردمی که دارای آگاهی کمتری هستند راحت‌تر از حاکمیت فساد بر مردم آگاه است (Goel et al., 2012). مردم آگاه حاکمان فاسد را تحمل نخواهند کرد و توسعه نظام آموزشی خود زمینه‌ای برای افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی محسوب می‌شود (Uslaner, 2017). تربیت شهروندی می‌تواند علاوه بر مسئولیت‌پذیری به قانون‌گرایی و حاکمیت قانون نیز کمک کند که مطالعات نشان داده حاکمیت قانون یکی از جدی‌ترین عوامل مقابله با فساد است (North, Orman and Gwin, 2013). به همین دلیل برخی معتقدند حاکمیت فساد نیز کمتر در زمینه آموزش سرمایه‌گذاری می‌کند (Mauro, 1998; Tanzi, 1998).

علاوه بر این، افزایش سطح سواد عاملی برای تغییر کیفی در درون نظام آموزشی بوده و زمینه‌ای را برای توسعه کیفیت آموزشی از طریق افزایش پوشش تحصیلی، افزایش نسبت دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در مدارس و کاهش میانگین تعداد دانش‌آموزان به ازای هر معلم یا افزایش معلمان نسبت به تعداد دانش‌آموزان به دنبال خود خواهد آورد (Gambell and Hunter, 2000; Dridi, 2014).

ارتباط مستقیم باسوادی و کاهش فساد

سیمور مارتین لیپست در بحث خود از انسان سیاسی که از دیدگاه کارکردگرایانه طرح کرده معتقد است طبقات متوسط گرایش کمتری به فساد و گرایش بیشتر به حذف فساد نسبت به طبقات پایین دارند (Lipset, 1960; Treisman, 2000). بنا بر نظر وی مناطقی که سطوح بالایی از درآمد و تحصیلات را دارند تجربه فساد کمتری دارند. عنصر اساسی در فرضیات وی این است که رأی دهندگان دارای تحصیلات و درآمد بیشتر توانایی بیشتری برای کنترل مسئولان حوزه عمومی دارند و در مقابل تخطی آنان از قانون واکنش نشان می‌دهند (Glaeser and Saks, 2006: 1054). آموزش از طریق تقویت جامعه مدنی برای کنترل دولت‌مردان نیز در خدمت مقابله با فساد قرار می‌گیرد (Brunetti and Weder, 2003).

تراکس (۲۰۱۰) در مطالعه خود مدعی است که فساد از طریق هنجارهای اجتماعی تداوم می‌یابد (Truex, 2010: 1133). وی نقش نگرش‌ها بر روی رفتار فاسد در نپال را می‌پذیرد و به این نتیجه می‌رسد که آموزش به‌شکل پایداری عامل تعیین‌کننده این نوع نگرش‌هاست. وی نشان می‌دهد پاسخ‌گویان تحصیل کرده‌تر نگرش‌های منفی‌تری به رفتارهای مفسدانه دارند. این یافته می‌گوید افزایش دستیابی به آموزش در کشورهای در حال توسعه می‌تواند عاملی برای کاهش هنجارهای مرتبط با رفتارهای مفسدانه و کاهش فساد باشد (Truex, 2010; Dimant and Tosato, 2017). مطالعه بار و سرا (۲۰۰۶) نیز نشان می‌دهد که پذیرش یا عدم پذیرش رشوه به‌عنوان شکلی از فساد خرد به درونی شدن هنجارهای اجتماعی افراد و تصور آن‌ها از مخرب بودن رفتار برای جامعه بستگی دارد (Barr & Serra, 2006).

بر اساس این دیدگاه نه‌تنها آموزش مانع فساد است بلکه در برخی کشورها این عامل در کاهش فساد نیز کارساز بوده است (North, Orman and Gwin, 2013; Rose-Ackerman, 1999). بر این مبنا برخی نویسندگان حتی برای پیشگیری از فساد بر آموزش و به‌ویژه آموزش اخلاقی کارکنان به‌عنوان یکی از ارکان تأکید کرده‌اند (حقیقتیان، کریمی زاده و نظری، ۱۳۹۱: ۱۲۶ به نقل از رابینز، ۱۹۹۱: ۲۷).

ارتباط غیر مستقیم سطح باسوادی و کاهش فساد؛ تأثیر متغیرهای واسط

نقش آموزش در ارتباط با فساد به وضعیتی که آموزش در آن رخ می‌دهد نیز بستگی دارد. بر اساس این دیدگاه سایر عوامل می‌توانند نقش میانجی یا مداخله‌گر در ارتباط بین نظام آموزشی و فساد ایفاء کنند. اوسلنر (۲۰۱۷) در بررسی‌های تاریخی خود موارد متعددی را نشان می‌دهد که آموزش در ترکیب با نابرابری اجتماعی، ظرفیت دولت، دین، نوع محصول تولیدی، دیدگاه نخبگان و ویژگی‌های تاریخی نتایج متفاوتی از نظر وضعیت فساد به بار آورده است (Uslaner, 2017). مطالعات نشان داده‌اند در نظام‌های کمونیستی آموزش نقش مهمی در القای ایدئولوژی حکومتی داشته و به همین دلیل مورد اقبال کمونیسم قرار گرفته است (Uslaner, 2017; Sandholtz and Taagepera, 2005) که نشانه تأثیر برنامه درسی و معلم در تأثیر آموزش بر شرایط حاکمیت است. علاوه بر نظام‌های کمونیستی دسته دیگری از کشورها بنا به مصلحت حکومت، گاهی اوقات دست به افزایش میزان باسوادی زده‌اند که اغلب این کشورها دارای دولت‌های رانتیر بوده‌اند (Montinola and Jackman, 2002). بنا به نظریه دولت‌های رانتیر بعضاً نظام‌های وابسته تلاش کرده‌اند نهادهای شبه مدرن ایجاد کنند. یکی از نهادهای شبه مدرن در این کشورها نهاد آموزش و پرورش جدید بوده است. این نهادهای شبه مدرن گاهی اوقات برای پاسخ به نیازهای داخلی و گاهی اوقات نیز در مقابل

فشارهای خارجی شکل گرفته‌اند (Albrecht & Schlumberger, ۲۰۰۴). تغییر در شاخص‌های آموزشی مد نظر نظام‌های دموکراتیک نیز قرار گرفته و این نظام‌ها به شیوه‌های مختلف تلاش کرده‌اند سرمایه انسانی جوامع را ارتقا دهند. دموکراسی در کلاس درس موضوع مهمی در نظام‌های دموکراتیک محسوب می‌شود و توافق قابل‌توجهی در زمینه اهمیت کلاس واقعی برای آموزش دموکراسی حاصل شده است (Saha et al., 2009; Vinterek, 2010; Reich, 2007: 187; Sandholtz and Koetzle, 2000; Serra, 2006).

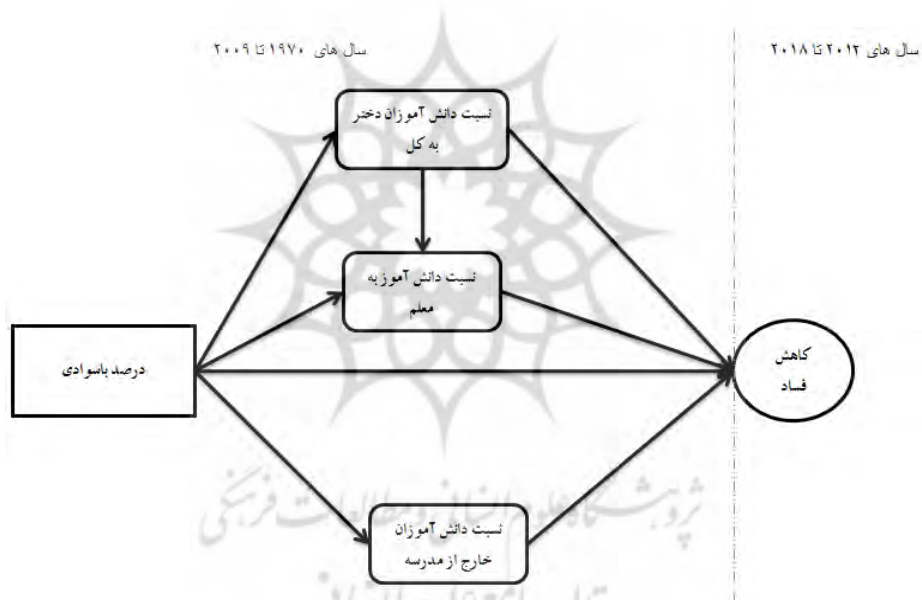
چن و گودسون در تحقیق خود در تعدادی از استان‌های چین به این نتیجه می‌رسند که مسئله ارتباط بین تبهکاران و کارکنان دولت در اغلب استان‌های چین وجود دارد لیکن این ارتباط با کارکنان پایینی و سطح میانی ادارات دولتی چین بیشتر است به‌خاطر این‌که کارکنان اداری سطوح بالاتر می‌توانند از ارتباطاتشان با تاجران دارای مجوز درآمدهای بیشتری را کسب کنند (Chin and Godson 2006: 40). عمل کارکنان اداری فاسد که با اخذ رشوه از مجرمان با استفاده از قدرتشان از فعالیت‌های مجرمانه چه به‌شکل قانونی و چه به‌شکل غیرقانونی پشتیبانی می‌کنند تحت عنوان "چتر محافظ" نامیده شده است (Chin and Godson 2006; Gong 2002; Shieh 2005; Tian 2001; Zhang and Chin 2008). چتر محافظ عاملی مهم در گسترش فساد به‌ویژه در کشورهای جهان سوم است که می‌تواند ناشی از ساختار دولت بوده و عاملی برای افزایش نرخ فساد باشد. به‌عنوان نمونه چن نشان می‌دهد که چگونه در چین کسب‌وکارهای خصوصی برای محافظت از دارایی‌شان، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، کسب حمایت مسئولین محلی، و دستیابی به منابع طبیعی به حاکمیت نزدیک می‌شوند (Chen, 2007: 55; Wang, 2012: 53; Koreta et al., 2012). وانگ در تکمیل بحث چن مفهومی تحت عنوان مافیای سرخ برای چین پیشنهاد کرده و نشان می‌دهد چتر محافظ برخلاف تصور چن صرفاً در سطح کارکنان پایینی و میانی نیست، بلکه کارکنان سطوح بالاتر با حمایت از کارکنان زیردست خود نقش مهمی در تداوم زنجیره فساد داشته و بیشتر از سایر کارکنان از آن منتفع می‌شوند (Wang, 2012: 69). علیت دوطرفه بین فقر و فساد نیز مورد تأیید مطالعات دیگری قرار گرفته و نشان می‌دهد که این رابطه مخصوص از طریق شاخص فقر انسانی می‌تواند بازتولید شود (مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱).

گیلفاسون، هربرتسون و زوگا (۱۹۹۹) آموزش را تابعی از وفور منابع طبیعی می‌بینند. گیلفاسون به این نتیجه می‌رسد که وفور منابع طبیعی عاملی برای کاهش نرخ ثبت‌نام، هزینه‌های آموزشی و سال‌های تحصیل است (Gylfason, 2000). بولت، دامانیا و دیکن (۲۰۰۵) نیز این نتیجه را تأیید کرده‌اند (Bulte & Damania and Deacon, 2005). در نقطه مقابل استینجس (۲۰۰۶) با مدنظر قرار دادن منابع معدنی و سوختی به‌عنوان منابع طبیعی به نتیجه مثبتی بین وفور این منابع و رشد شاخص‌های آموزشی دست یافته است (Stijns, 2006).

چارچوب نظری مرجع و فرضیه‌ها

مباحث مطرح شده در زمینه فساد و عوامل مؤثر بر آن حوزه بسیار گسترده‌ای است که این مطالعه توجه خود به رابطه بین نرخ باسوادی بزرگسالان، شاخص‌های آموزشی و کاهش فساد معطوف کرده است. در زمینه نقش مؤثر باسوادی بر کاهش فساد دیدگاه‌های موافق و مخالفی طرح شده‌اند که در این مورد فرض نگارندگان بر این است که نقش مثبت سواد و شاخص‌های آموزشی در ادراک فساد (تأثیر معکوس آموزش بر فساد) از پشتوانه مناسب‌تری برخوردار است. باسوادی و شاخص‌های آموزشی با افزایش آگاهی، مسئولیت‌پذیری، نظارت، استقلال نسبی و مواردی از این قبیل، زمینه مبارزه با فساد را فراهم می‌سازند. علاوه بر این ویژگی‌های نظام آموزشی از جمله دموکراسی در کلاس درس، برابری جنسیتی و دست‌رسی طبقات محروم به آموزش همگانی می‌تواند زمینه‌ای برای تمرین مسئولیت‌پذیری و جامعه‌پذیری عملی مبارزه با فساد، زمینه‌سازی برای گسترش حضور زنان در مناصب تصمیم‌گیری و افزایش آگاهی همگانی برای استیفای حقوق شهروندی بوده و کنترل و کاهش فساد را به دنبال داشته باشد.

بنابراین مدل تحلیلی تحقیق در شکل شماره ۱ ارائه شده است:



شکل ۱ مدل تحلیلی تحقیق

در مجموع سطح باسوادی نقش متغیر درون‌داد را در مدل تحلیل ادراک فساد ایفا کند. افزایش سطح سواد، زمینه‌ای برای افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری بوده و دارای اثر مستقیم و غیرمستقیم بر ادراک فساد در یک جامعه است. اثر مستقیم آن کاهش میزان فساد و به تناسب آن ادراک فساد است. اثر غیرمستقیم باسوادی کاهشی است که با واسطه شاخص‌های مهم آموزشی مانند پوشش تحصیلی (به عنوان شاخص عدالت آموزشی) و نسبت دانش‌آموز به معلم (به عنوان نماد دموکراسی در کلاس) و نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان (به عنوان نماد برابری جنسیتی) رخ می‌دهد.

فرضیه‌های تحقیق

نرخ باسوادی بزرگسالان (دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹) بر میزان ادراک فساد (کاهش فساد) سیاسی (دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸) مؤثر است؛ به نحوی که به تناسب افزایش میزان باسوادی در سطح یک کشور، میزان ادراک فساد افزایش و با کاهش سطح باسوادی میزان ادراک فساد نیز کاهش می‌یابد.

پوشش تحصیلی (دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹) بر میزان ادراک فساد سیاسی (دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸) مؤثر است؛ به این معنی که با افزایش پوشش تحصیلی (کاهش نسبت دانش‌آموزان خارج از مدرسه) میزان ادراک فساد افزایش و با کاهش پوشش تحصیلی میزان ادراک فساد کاهش می‌یابد.

نسبت دانش‌آموز به معلم (دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹) بر میزان ادراک فساد سیاسی (دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸) مؤثر است؛ به این معنی که با افزایش نسبت دانش‌آموز به معلم میزان ادراک فساد کاهش و با کاهش نسبت دانش‌آموز به معلم میزان ادراک فساد افزایش می‌یابد.

نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان یا نسبت جنسیتی (دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹) بر میزان ادراک فساد سیاسی (دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸) مؤثر است؛ به این معنی که با افزایش این نسبت میزان ادراک فساد افزایش و با کاهش این نسبت کاهش می‌یابد.

درصد باسوادی (دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹) از طریق شاخص‌های نرخ ثبت‌نام، پوشش تحصیلی دختران و پسران و نسبت دانش‌آموز به معلم بر میزان ادراک فساد سیاسی (دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸) اثر می‌گذارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر تحقیقی بین‌کشوری است که واحد تحلیل آن کشور- ملت است و با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های منتشر شده توسط سازمان‌های بین‌المللی فرضیه‌های تحقیق آزمون می‌شوند. داده‌های مذکور به شکل طولی منتشر شده‌اند که محقق میانگین این داده‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. جامعه آماری تحقیق را ۱۸۰ کشور جهان در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ میلادی تشکیل می‌دهند که در این سال‌ها داده‌های مربوط به متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق را سازمان‌های ملی و بین‌المللی گزارش کرده‌اند. روایی داده‌ها مبتنی بر روایی صوری است و از کمک دانشمندان متخصص مربوط به موضوع برای تأمین داده‌ها استفاده شده است. علاوه بر این، پایداری این داده‌ها را سازمان‌های تهیه‌کننده داده‌ها تأمین کرده‌اند.^۱

نقش سازه‌های تحقیق، منابع تهیه داده‌ها، دوره زمانی و چگونگی استفاده محقق در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱ نقش سازه‌های تحقیق، منابع تهیه داده‌ها، دوره ارائه گزارش‌ها، نوع استفاده محقق

نام سازه	نقش متغیر	منبع تهیه داده‌ها	دوره زمانی
ادراک فساد سیاسی	متغیر وابسته	سازمان شفافیت بین‌المللی	۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸
نسبت دانش‌آموز در مدارس ابتدایی به معلم	مستقل و میانجی	سازمان یونسکو، بانک جهانی	۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹
نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان	مستقل و میانجی	"	"
نسبت دانش‌آموزان خارج از مدرسه	مستقل و میانجی	"	"
درصد باسوادی	مستقل	"	"

از نظر روش‌های آماری با توجه به این که سنجش داده‌ها در سطح فاصله‌ای است از روش‌های پارامتریک برای توصیف داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

تعریف عملیاتی مفاهیم

ادراک فساد سیاسی: این شاخص ۱۸۰ کشور را بر اساس سطوح ادراک شده فساد در بخش عمومی بر اساس نظر متخصصان و تجار^۲، با استفاده از یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ درجه‌ای که صفر به

^۱ این داده‌ها به اشکال مختلف مورد استفاده محققان دانشگاهی قرار گرفته‌اند که نشانگر پذیرش اعتبار داده‌ها در بین محققان دانشگاهی در سطح جهانی است.

^۲ business people

معنای بسیار فاسد و ۱۰۰ به معنای بسیار پاک است رتبه‌بندی می‌کند (شفافیت بین‌الملل^۱). این سازمان فساد را به معنای سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی تعریف می‌کند. با توجه به این که در دوره‌های مختلف میزان فساد در کشورهای مختلف تغییراتی داشته است، برای میزان ادراک فساد کشورهای مورد مطالعه میانگین هر کشور در دوره زمانی بعد از سال ۲۰۱۰ میلادی یعنی میانگین دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ (آخرین سال موجود در گزارش‌های مذکور) در نظر گرفته شده است. بنابراین نمره فساد برای هر کشور عبارت از میانگین کسب شده در ادراک فساد در دوره زمانی مذکور برای هر کشور.

نسبت دانش‌آموزان خارج از مدرسه: عبارت از تعداد کودکانی است که در دامنه سنی رسمی مدرسه ابتدایی قرار داشته و وارد آموزش ابتدایی نشده‌اند، این شاخص به شکل درصدی از کودکان در دامنه سنی رسمی مدرسه ابتدایی بیان شده است. (سایت بانک جهانی).

نسبت دانش‌آموز به معلم: متوسط تعداد دانش‌آموزان به هر معلم در یک سطح مفروض آموزش است بر مبنای مجموع دانش‌آموزان و معلمان است. برای محاسبه این نسبت تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نام شده در پایه مشخص آموزشی بر تعداد معلمان همان پایه تقسیم شده است. منابع مورد نظر ثبت‌نام مدارس، آمار معلمان و مدارس، پیمایش‌های مرتبط با ثبت‌نام و کادر معلمان بوده است (سازمان یونسکو^۲).

نسبت دانش‌آموزان دختر به کل: درصد دختران از کل دانش‌آموزان هر مقطع (ابتدایی) که در مدارس خصوصی و دولتی ثبت‌نام کرده‌اند (بانک جهانی).

نرخ باسوادی بزرگسالان: درصد جمعیت ۱۵ سال و بالاتر که می‌توانند جمله‌های ساده کوتاه را در زندگی روزمره‌شان بخوانند و بنویسند و بفهمند. عموماً، باسوادی حساب کردن را هم که توانایی محاسبات ساده ریاضی است در برمی‌گیرد. نرخ بی‌سوادی بزرگسالان درصد جمعیت ۱۵ سال و بالاتر که نمی‌توانند جمله‌های ساده کوتاه را در زندگی روزمره‌شان بخوانند و بنویسند و بفهمند. نرخ باسوادی با تفکیک تعداد جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر باسوادی از گروه جمعیتی مربوطه و محاسبه درصد آن به‌دست آمده است (سازمان یونسکو^۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹. <https://www.transparency.org/cpi2018>

². <http://uis.unesco.org/node/334770>

³. <http://uis.unesco.org/en/glossary-term/adult-literacy-rate>

And

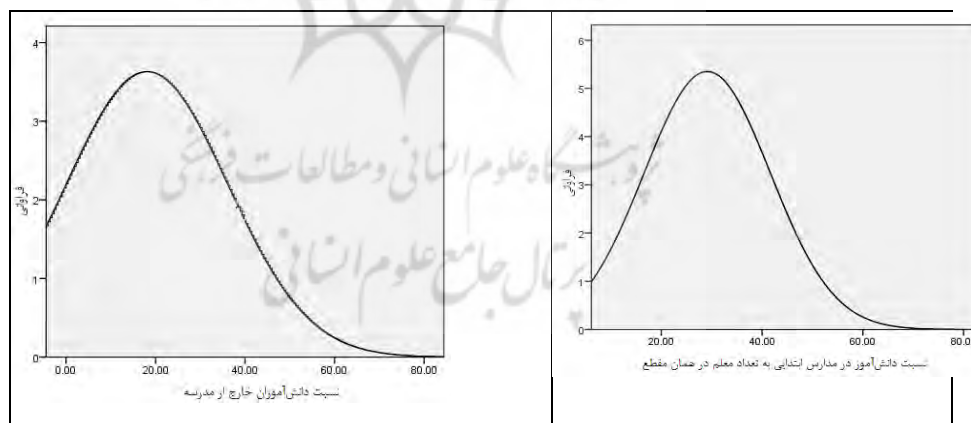
<https://datacatalog.worldbank.org/literacy-rate-adult-total-people-ages-15-and-above-0>

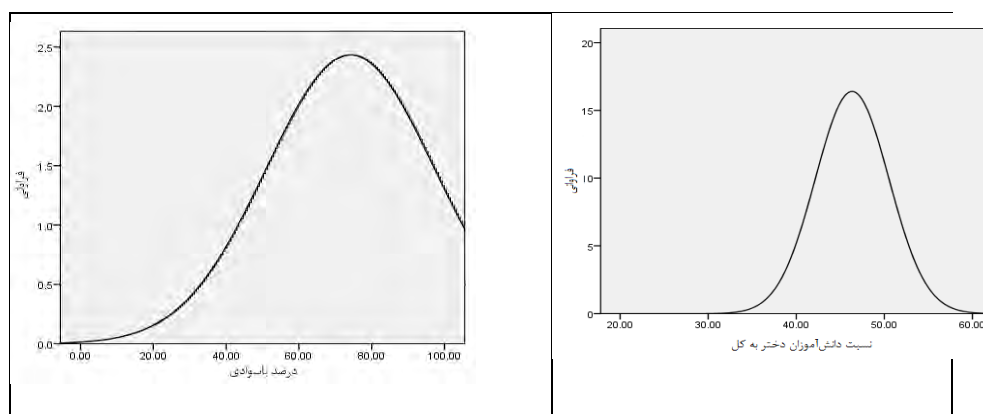
یافته‌های تحقیق

میانگین ادراک فساد سیاسی در دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ میلادی ۴۳٫۱ از حداکثر نمره ۱۰۰ و انحراف استاندارد آن معادل ۱۹٫۳۵ بوده است. میزان کجی معادل ۰٫۶۷۵ بوده است که نشان می‌دهد تعداد زیادی از کشورهای مورد بررسی از نظر ادراک فساد سیاسی دارای شرایط نامناسب بوده و به سمت طیف کشورهای فاسد نزدیک‌تر هستند، علاوه بر کجی میانگین زیر ۵۰ نیز نشانه‌ای بر این واقعیت است. همچنین در این توزیع میزان کشیدگی معادل ۰٫۳۴۸- بوده است که نشانگر خوابیده بودن منحنی توزیع کشورها بوده و به این معنی است که کشورها بیشتر بر روی طیف میزان ادراک فساد سیاسی پراکنده شده‌اند.

جدول شماره ۲ وضعیت توصیفی داده‌های شاخص‌های آموزشی (دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میلادی)

ردیف	نام متغیر (شاخص)	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	کشور دارای داده معتبر
۱	نسبت دانش‌آموز در مدارس ابتدایی به تعداد معلم در همان مقطع	۱۰٫۵۱	۷۱٫۹۵	۲۹٫۱۱	۱۲٫۵۳	۰٫۹۸۷	۰٫۸۳۷	۱۶۸
۲	نسبت دانش‌آموزان خارج از مدرسه	۰٫۳۳	۷۲٫۷۹	۱۸٫۰۳	۱۸٫۰۱۸	۱٫۲۹۵	۰٫۶۶۱	۱۶۴
۳	نسبت دانش‌آموزان دختر به کل	۲۴٫۴۸	۵۴٫۵۲	۴۶٫۳۴	۴٫۱۸	-۲٫۰۱	۴٫۹۵	۱۷۲
۴	درصد باسوادی	۱۷٫۱۶	۹۹٫۷۵	۷۴٫۰۶	۲۳٫۱۲	-۰٫۸۳۳	-۰٫۳۸۱	۱۴۱





شکل ۲ نمودارهای توزیع میانگین متغیرهای مستقل در کشورها

در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میلادی داده‌های نسبت دانش آموز در مدارس ابتدایی به تعداد معلم در همان مقطع برای ۱۶۸ کشور قابل دست‌رسی بوده است. میانگین داده برای کشورهای مختلف ۲۹,۱۱ است که نشان می‌دهد تقریباً به ازای هر ۲۹ دانش آموزان یک معلم وجود داشته است. کمترین میانگین ۱۰,۵۱ و بیشترین ۷۱,۹۵ بوده و انحراف استاندارد این شاخص معادل ۱۲,۵۳ است، میزان کجی معادل ۰,۹۸۷ بوده که نشان می‌دهد دم منحنی (در خانه اول شکل شماره ۲) به سمت راست کشیده شده و اکثر کشورها در سمت چپ منحنی (تعداد دانش آموزان کمتر) جمع شده‌اند، میزان کشیدگی معادل ۰,۸۳۷ بوده است که نشانگر تمرکز کشورها حول میانگین است.

داده‌های نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان برای ۱۷۲ کشور قابل دست‌رسی بوده است. میانگین داده برای کشورهای مختلف ۴۶,۳۴، و انحراف استاندارد این شاخص معادل ۴,۱۸ است. کمترین مقدار ۲۴,۴۸ و بیشترین مقدار ۵۴,۵۲ است. میزان کجی معادل ۲,۰۱- بوده که نشان می‌دهد دم منحنی (در خانه سوم شکل شماره ۲) به سمت چپ کشیده شده و اکثر کشورها در سمت راست منحنی (نزدیکی بیشتر به نقطه ۵۰ درصدی) جمع شده‌اند، میزان کشیدگی معادل ۴,۹۵۵ بوده است که نشانگر تمرکز شدید کشورها حول میانگین (نقطه برابری ۵۰ درصد دختر و ۵۰ درصد پسر) است.

داده‌های نسبت دانش آموزان خارج از مدرسه به کل برای ۱۶۴ کشور قابل دست‌رسی بوده است. میانگین داده برای کشورهای مختلف ۱۸,۰۳ و انحراف استاندارد این شاخص معادل ۱۸,۰۲ است. کمترین مقدار ۰,۳۳ و بیشترین مقدار ۷۲,۷۹ است. میزان کجی معادل ۱,۲۹۵ بوده که نشان می‌دهد دم منحنی (در خانه دوم شکل شماره ۲) به سمت راست کشیده شده و اکثر کشورها در

سمت چپ منحنی (محرومیت کمتر دانش‌آموزان) جمع شده‌اند، میزان کشیدگی معادل ۰,۶۶۱ بوده است که نشانگر تمرکز نسبی کشورها حول میانگین است. داده‌های درصد باسوادی بزرگسالان ۱۵ ساله و بیشتر برای ۱۴۱ کشور گزارش شده است. میانگین داده برای کشورهای مختلف ۷۴,۰۶ درصد است. کمترین میانگین ۱۷,۱۶ و بیشترین ۹۹,۷۵ بوده و انحراف استاندارد این شاخص معادل ۲۳,۱۲ است، میزان کجی معادل ۰,۸۳۳- بوده که نشان می‌دهد دم منحنی (در خانه چهارم شکل شماره ۲) به سمت چپ کشیده شده و اکثر کشورهای در سمت راست منحنی (درصد باسوادی بیشتر از میانگین) جمع شده‌اند، میزان کشیدگی معادل ۰,۳۸۱- بوده است که نشانگر پراکندگی نسبی داده‌ها حول میانگین است.

شاخص‌های آموزشی و ادراک فساد سیاسی

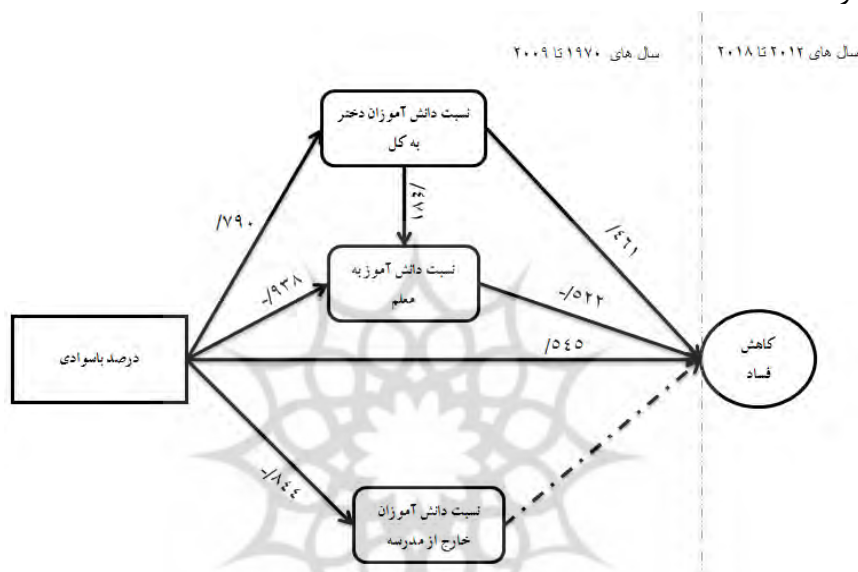
در ادامه به بررسی فرضیات تحقیق پرداخته و نشان می‌دهیم که آیا تفاوت در شاخص‌های آموزشی عاملی برای تغییر در ادراک فساد سیاسی محسوب می‌شوند. برای آزمون این روابط در مرحله اول به روابط دو متغیری و سپس به روابط چند متغیری پرداخته شده است. با توجه به این که سطح سنجش همه متغیرها فاصله‌ای بوده و محقق درصدد آزمون مدل است (قصد تعمیم ندارد زیرا جامعه برابر نمونه است)، به همین دلیل از آزمون رگرسیون جهت آزمون فرض استفاده می‌کنیم. جدول شماره ۳ نشانگر آزمون روابط دومتغیره است:

جدول شماره ۳ مقادیر مربوط به آزمون‌های رگرسیون دو متغیری فرضیه‌ها برای متغیرهای مستقل و وابسته

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب تبیین	مقدار آماره F	سطح معنی‌داری	ضریب بتا (مسیر)
۱	ادراک	نسبت دانش‌آموز به معلم	۰,۲۷۳	۶۱,۵۲۱	۰,۰۰۰	-۰,۵۲۲
۲	فساد سیاسی	نسبت دانش‌آموزان خارج از مدرسه	۰,۲۰۹	۴۲,۵۰۷	۰,۰۰۰	-۰,۴۵۷
۳		نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان	۰,۱۵۵	۳۰,۷۰۱	۰,۰۰۰	۰,۳۹۳
۴		درصد باسوادی	۰,۱۴۲	۲۳,۰۵۳	۰,۰۰۰	۰,۳۷۷

جدول شماره ۳ آزمون فرضیات نشان می‌دهد که فرضیه‌های مرتبط با اثر نسبت دانش‌آموز به معلم با بتای ۰,۵۲۲- نسبت دانش‌آموزان خارج از مدرسه با بتای ۰,۴۵۷- نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان با بتای ۰,۳۹۳ و درصد باسوادی با بتای ۰,۳۷۷ همگی با سطح معنی

داری زیر ۰,۰۱ و اطمینان بالای ۹۹ درصد بر اساس مقادیر مرتبط با دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میلادی در بین کشورهای دنیا ادراک فساد سیاسی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ را تعیین می‌کنند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود فرضیات ارتباط دو متغیری تحقیق مبنی بر نقش شاخص‌های آموزشی دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ در ادراک فساد سیاسی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ مورد تأیید قرار گرفته‌اند، بنابراین در زمینه نقش متغیرهای مستقل و واسطه با متغیر وابسته تحقیق همه متغیرهای مدل در روابط دو متغیری مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای آزمون مدل تحلیل ارائه شده در شکل شماره ۱ از روش تحلیل مسیر استفاده می‌شود که به همراه ضرایب مربوطه در شکل شماره ۳ ارائه می‌شود، بردار نقطه چین نشان عدم وجود اثر معنی‌دار است:



شکل شماره ۳ مدل تحلیل مسیر بر اساس داده‌های به دست آمده

نمودار مربوط به تحلیل مسیر نشان می‌دهد که شاخص‌های آموزشی کشورها در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ نقشی تعیین‌کننده در ادراک فساد سیاسی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ داشته است. در این مدل متغیر درصد باسوادی بزرگسالان به‌شکل مستقیم (ضریب مسیر ۰,۵۴۵) و غیر مستقیم از طریق نسبت دانش‌آموزان دختر نسبت به کل دانش‌آموزان (ضریب مسیر ۰,۳۶۴) و نسبت دانش‌آموز به معلم (ضریب مسیر حدود ۰,۴۹) ادراک فساد سیاسی را تعیین می‌کند. بر اساس این مدل دیدگاه مرتبط با نقش منفی آموزش در ارتباط با فساد یا نقش کاهنده آموزش در ارتباط با فساد تأیید می‌شود زیرا شاخص ادراک فساد نشانگر میزان پاک بودن از فساد

کشورهاست. همچنین بر اساس مدل گرچه افزایش درصد باسوادی بزرگسالان بر نسبت دانش آموزان خارج از مدرسه (معکوس پوشش تحصیلی) تأثیر تعیین کننده دارد، ولی این متغیر بر اساس مدل ارتباط معنی‌دار با کاهش فساد ندارد.

تبیین و نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق مطالعه رابطه شاخص‌های آموزشی و ادراک فساد سیاسی بود. مدعای محققین اثر مثبت شاخص‌های آموزشی بر کاهش فساد سیاسی یا افزایش نمره ادراک فساد سیاسی (میزان پاکی از فساد) بود. ادبیات تحقیق در حوزه ارتباط مستقیم و غیر مستقیم باسوادی بزرگسالان با کاهش فساد طرح گردید و پوشش تحصیلی (به عنوان شاخص عدالت آموزشی) و نسبت دانش آموز به معلم (به عنوان نماد دموکراسی در کلاس) و نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان (به عنوان نماد برابری جنسیتی) به عنوان متغیرهای واسطه در نظر گرفته شدند. داده‌های مربوط به متغیرها از مجموعه داده‌های سازمان‌های بین‌المللی که اکثر محققان از آن‌ها استفاده می‌کنند، استخراج و ویرایش شد و میانگین دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میلادی برای متغیرهای مستقل و میانجی و ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ برای متغیر وابسته در نظر گرفته شد. در این دوره زمانی داده‌های ۱۸۰ کشور تجزیه و تحلیل شده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که برداشت نگارندگان مبنی بر اثر کاهنده شاخص‌های آموزشی بر فساد سیاسی یا رابطه مثبت شاخص‌ها با ادراک فساد سیاسی در کشورها (شاخص پاکی از فساد) مورد تأیید است. این یافته با برداشت لیپست (۱۹۶۰)، گلیرز و ساکس (۲۰۰۶)، تراکس (۲۰۱۱)، اوسلنر (۲۰۱۷)، رایبیز (۱۹۹۷)، حقیقتیان، کریمی زاده و نظری (۱۳۹۱) همخوانی دارد. یافته‌ها نشان داد میزان باسوادی بزرگسالان به شکل مستقیم بر کاهش فساد مؤثر است. علاوه بر این باسوادی بزرگسالان اثر کاهنده بر نسبت دانش آموز به معلم دارد که این رابطه به شکل ضمنی مؤید دیدگاه دموکراتیک نسبت به کاهش فساد است. در مدارس که هر معلم تعداد دانش آموزان کمتری دارد نقش دانش آموز مهم‌تر و فرصت معلم برای پاسخ‌گویی، شناخت و رفع مسائل دانش آموز بیشتر و فرصت اثرگذاری دانش آموز نیز بیشتر است. آموزش یادگیرنده-محور شیوه‌ای از آموزش است که می‌تواند در مدارس دارای کلاس‌های کم جمعیت تر اتفاق بیفتد. بنابراین کاهش حجم دانش آموزان در کلاس می‌تواند دانش‌آموزانی پرسشگر، منتقد و صاحب‌نظر تربیت کند. تأثیر باسوادی بزرگسالان از طریق نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان نیز مورد تأیید قرار گرفت، که وجود این رابطه نشانگر صحت ادعاهای مبتنی بر ضرورت ایجاد فرصت‌های برابر برای تربیت زنان و ارتقای موقعیت‌های اجتماعی رشد زنان برای کاهش آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه فساد سیاسی است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که دستیابی زنان به موقعیت‌های سیاسی عامل

مهمی برای مقابله و مبارزه با فساد در سیستم‌های مختلف دنیاست (Frank et al., 2011; Rivas, 2001; Swamy et al., 2012). مدل برآمده از تحقیق نیز این یافته‌ها را در زمینه برابری جنسیتی در آموزش تائید می‌کند.

با توجه به این که هدف مقاله بررسی تطبیقی بین کشوری بود نگاه دقیق به وضعیت ایران و تحلیل جامعه‌شناختی آن مقال دیگری می‌طلبد. لیکن با استفاده از مباحث فوق می‌توان به شکل مختصر به وضعیت جامعه خودمان نیز اشاره کرد. طبق آمارهای موجود، نمره ادراک فساد سیاسی در کشور ما از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ بین ۲۵ تا ۳۰ در نوسان بوده است که نشان می‌دهد در بین چارک بالای کشورهای دارای فساد قرار داشته‌ایم. صرف‌نظر از تعابیر حاکمیتی و تصوراتی که بر سیاسی و بدبینانه بودن این گزارش‌ها اشاره می‌کنند، ارتباط بخش مهمی از جهان با ما بر اساس همین آمارها اتفاق می‌افتد. هزینه فساد و تبعات آن مانند جلوگیری از جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توریسم و فشارهای بین‌المللی دیگر، اندیشیدن و ارائه راه‌حل‌های مناسب را در این زمینه ضروری می‌سازد (Tanzi, 1998). مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند فساد یکی از اولویت‌های حوزه آسیب‌های اجتماعی در ایران بوده است (رفیعی، مدنی قهفرخی و وامقی، ۱۳۸۷). علاوه بر این شرایط ما در زمینه شاخص‌های باسوادی و آموزشی مد نظر مقاله نیز چندان مطلوب نیست. در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میانگین باسوادی در ایران ۶۷ (دارای تفاوت معنی‌دار منفی با میانگین جهانی با $p < 0.001$ / $t = 3.628$)، میانگین نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان ۴۴ (دارای تفاوت معنی‌دار با میانگین جهانی با $p < 0.001$ / $t = 7.34$) و نسبت دانش‌آموز به معلم ۲۷,۳۴ (فاقد تفاوت معنی‌دار نسبت به میانگین جهانی) و نسبت دانش آموزان خارج از مدرسه ۱۰,۳۱ (دارای تفاوت معنی‌دار مثبت نسبت به میانگین جهانی با $p < 0.001$ / $t = 5.49$) بوده است که وضعیت کشور ما در میانگین باسوادی و نسبت دانش آموزان دختر پایین‌تر از سطح جهانی و در مورد دانش آموزان خارج از مدرسه بهتر بوده است. در سال ۲۰۱۹ طبق آمارهای بانک جهانی^۱ میانگین باسوادی در دنیا ۸۶,۴۸؛ میانگین نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان ۴۸,۴۳؛ نسبت دانش‌آموز به معلم ۲۳,۴۵؛ نسبت دانش آموزان خارج از مدرسه ۸,۰۲ و در ایران به ترتیب میانگین باسوادی ۸۵,۵ (۲۰۱۶)؛ میانگین نسبت دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان ۵۰ (۲۰۱۷)؛ نسبت دانش‌آموز به معلم ۲۹ (۲۰۱۷)؛ نسبت دانش آموزان خارج از مدرسه ۰ (۲۰۱۷) بوده است. این آمارها به جز در مورد نرخ باسوادی و نسبت دانش‌آموز به معلم (شاخص دموکراسی در کلاس درس) امیدوار کننده است. بنابراین سرمایه‌گذاری برای تداوم پوشش همگانی آموزش برای همه، کاهش نسبت دانش آموزان به معلم و سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی برای کاهش فساد در آینده در

¹. <https://data.worldbank.org/indicator>

کشور ضرورتی انکار ناپذیر است. بالا بودن نسبت دانش‌آموز به معلم با توجه به مدل نقش کلیدی در ارتباط بین درصد باسوادی و نسبت جنسیتی ایفا می‌کند که بهبود آن و کاهش حجم دانش‌آموزان می‌تواند زمینه را برای افزایش کیفیت آموزشی و ارتباط عمیق‌تر معلم و دانش‌آموز فراهم سازد.

این مطالعه مبنای اصلی خود را شاخص‌های آموزشی مرتبط با برابری جنسیتی، دموکراسی در مدرسه و عدالت ورود به مدرسه قرار داده و نقش آن را در آینده فساد کشورها بررسی کرده است. مطالعات دیگر می‌توانند به عدالت اقتصادی، نظام تولید، تفاوت‌های درون کشوری و نقش سایر عوامل مانند آزادی‌ها، تفاوت‌های قومی-نژادی و ... بپردازند. علاوه بر این جای مطالعات درون کشوری در ایران در این زمینه خالی است زیرا این نوع مطالعات می‌تواند ضمن افزایش کنشگری برای مبارزه با فساد، وضعیت شفاف‌تری را هم در دسترس نهادهای بین‌المللی و هم در دسترس نهادهای داخلی به‌ویژه نهادهای حاکمیتی برای مقابله با فساد قرار دهد. به محققان بعدی پیشنهاد می‌شود برای تکمیل یا تصحیح آمارهای جهانی در مورد ایران به پیمایش‌ها و مطالعات کیفی پرداخته و حمایت مسئولین و نهادهای دانشگاهی و غیردانشگاهی را حوزه مطالعه فساد جلب کنند.

منابع

- چلبی، مسعود؛ اکبری، حسین (۱۳۸۴)، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی مطالعه تطبیقی- طولی (۱۹۷۰-۲۰۰۰)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۳): ۲۸-۴۶.
- حسن دوست فرخانی، هادی؛ یزدان پناه، لیلی (۱۳۹۳)، بررسی گرایش دانشجویان به فساد اداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)، *دو فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۵): ۳۳-۵۴.
- حسینی هاشم زاده، داود؛ حبیبی، لیلی (۱۳۹۱)، مقایسه ادراکات، تجربیات و نگرش‌های کارکنان زن و مرد نسبت به فساد اداری، *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، سال اول، شماره ۳: ۱۰۱-۱۱۹.
- حسینی، سید حسین؛ اسمعیل زاده، لیدا. (۱۳۹۳)، جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۴ (۵۴): ۲۰۱-۲۴۱.
- حقیقتیان، منصور؛ سیف زاده، علی (۱۳۹۴)، مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ادراک از فساد جوانان تهرانی، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۶ (۱۹): ۵۳-۸۰.
- حقیقتیان، منصور؛ کریمی زاده، سمیه؛ نظری، جواد (۱۳۹۱)، بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر فساد اداری (مورد مطالعه: سازمان‌های اداری شهر یزد)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۴): ۱۲۵-۱۴۲.
- خندان، عباس (۱۳۹۵) فساد سیاسی و فساد اداری: تأثیرات متقابل و نقش عوامل اجتماعی، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، ۱۳ (۴): ۱۹-۴۴.

- رفیعی، حسن؛ مدنی قهفرخی، سعید؛ وامقی، مروثه (۱۳۸۷)، مشکلات اجتماعی در اولویت ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹ (۱): ۱۵۱-۱۶۰
- فاضلی، محمد؛ جلیلی، محدثه (۱۳۹۷)، بررسی بین‌کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹ (۲): ۱۹۱-۲۱۰.
- فرجی‌ها، محمد؛ جوادی، حسین. (۱۳۹۳)، مطالعه جرم شناختی تخلفات و فساد اداری (در کارکنان سازمان‌های فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان)، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۴ (۵۴): ۲۴۳-۲۶۶.
- معیدفر، سعید؛ احمدی، حسین (۱۳۸۹)، فساد سیاسی و ثبات سیاسی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۱ (۴): ۵۶-۸۱.
- مهرگان، نادر؛ محسنی، الهه (۱۳۹۱)، بررسی رابطه علی بین فقر و فساد در کشورهای در حال توسعه، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۶): ۲۹-۵۵.
- Albrecht, H. Schlumberger, O. (2004), "Waiting for Godot: Regime Change without Democratization in the Middle East", *International Political Science Review*, 25: 371-392.
- Barr, A., & Serra, D. (2006), *Culture and corruption*, CSAE, Department of Economics, University of Oxford. Oxford.
- Bobo, L., & Licari, F. C. (1989), Education and political tolerance. Testing the effects of cognitive sophistication and target group affect, *Public Opinion Quarterly*, 53, 285.
- Brunetti, A. and Weder, B. (2003), A free press is bad news for corruption, *Journal of Public Economics*, 87(7): 1801-1824.
- Buchan, B., & Hill, L. (2014), *An intellectual history of political corruption*, London: Palgrave.
- Bukanovsky, M. (2006), The hollowness of anti-corruption discourse, *Review of International Political Economy*, 13, 181-209.
- Bulte, E. H.; Damania, R.; and R. T. Deacon. (2005), "Resources Intensity, Institutions, and Development." *World Development*, 33 (7), 1029-1044.
- Chen, W. (2007), Does the colour of the cat matter? The red hat strategy in China's private enterprises, *Manag Organ Rev*, 3(1):55-80.
- Chin K, Godson R (2006), Organized crime and the political-criminal nexus in China. *Trends Organ Crime*, 9(3):5-44.
- Creemers, B. P. M., & Kyriakides, L. (2010), Validity of educational indicators. In *International encyclopedia of education*, (3rd ed.) (pp. 193-199), Elsevier.
- Dimant, E. and Tosato, G. (2017), Causes and Effects of Corruption: What has Past Decade's Empirical Research Taught Us? A Survey, *Journal of Economic Surveys*, Vol. 32, No. 2, pp. 335-356.
- Dridi, M. (2014), Corruption and education: Empirical evidence. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 4(3), 476-493.

- Frank, B., Lambsdorff, J.G. and Boehm, F. (2011) Gender and corruption: lessons from laboratory corruption experiments. *European Journal of Development Research* 23(1): 59–71.
- Frank, B., Lambsdorff, J.G. and Boehm, F. (2011) Gender and corruption: lessons from Laboratory corruption experiments. *European Journal of Development Research* 23(1): 59–71.
- Gambell, T., & Hunter, D. (2000), Surveying gender differences in Canadian school literacy. *Journal of curriculum studies*, 32(5), 689-719.
- Glaeser, E.L. and Saks, R.E. (2006), Corruption in America. *Journal of Public Economics*, 90(6): 1053–1072.
- Glaeser, Edward, Goldin, Claudia, (2004), *Corruption and Reform: Introduction*, Harvard University mimeograph.
- Goel, R.K. and Nelson, M.A. (2010), Causes of corruption: history, geography and government. *Journal of Policy Modeling*, 32(4): 433–447.
- Goel, R.K., Nelson, M.A. and Naretta, M.A. (2012), The internet as an indicator of corruption awareness. *European Journal of Political Economy*, 28(1): 64–75.
- Gong T (2002), Dangerous col-lusion: corruption as a collective venture in contemporary China. *Communist Post-communist Stud*, 35:85–103.
- Gylfason, T. (2000), “Natural Resources, Education, and Economic Development.” *European Economic Review*, pp. 847-859.
- Gylfason, T.; Herbertsson T. T.; and G. Zoega. (1999), “A Mixed Blessing.” *Macroeconomics Dynamics*, 3, 204-225.
- Hall, R. L., Rodegheir, M., & Useem, B. (1986), Effects of education on attitude to protest. *American Sociological Review*, 51(4), 564–573.
- Hauk, E., & Marti, M. S. (2002), On the cultural transmission of corruption. *Journal of Economic Theory*, 107(2), 311–335.
- Heywood, P. (2018), Combatting corruption in the twenty-first century: New approaches. *Daedalus*, 147(3), 1–15.
- Hyman, H. H., & Wright, C. R. (1979), *Education’s lasting influence on values*, Chicago: University of Chicago Press.
- Justesen, M.K. and Bjørnskov, C. (2014), Exploiting the poor: bureaucratic corruption and poverty in Africa. *World Development*, 58: 106–115.
- Kotera, G., Okada, K. and Samreth, S. (2012), Government size, democracy, and corruption: an empirical investigation. *Economic Modelling*, 29(6): 2340–2348.
- Lambsdorff, J.G. (2006), Causes and consequences of corruption: what do we know from a cross-section of countries. In S. Rose-Ackerman (ed), *International Handbook on the Economics of Corruption*, (pp. 3–51). Cheltenham, UK: Edward Elgar.
- Lambsdorff, J.G. and Schulze, G.G. (2015), What can we know about corruption? A very short history of corruption research and a list of what we should aim for. *Journal of Economics and Statistics* (Jahrbuecher fuer Nationaloekonomie und Statistik) 235(2): 100–114.

- Lindstedt, C. and Naurin, D. (2010), Transparency is not enough: making transparency effective in reducing corruption. *International Political Science Review* 31(3): 301–322.
- Lipset, S. M. (1960), *Political Man; the social bases of politics*. Garden City, N.Y.:Doubleday.
- Little, W. (2014), *Introduction to Sociology – 1st Canadian Edition*. Victoria, B.C.: BCcampus. <https://opentextbc.ca/intr>.
- Mauro, P. (1998), Corruption: causes, consequences, and agenda for further research, *Finance and Development*, 35: 11–14.
- Montinola, G.R. and Jackman, R.W. (2002), Sources of corruption: a cross-country study, *British Journal of Political Science*, 32(1): 147–170.
- North, C.M., Orman, W.H. and Gwin, C.R. (2013), Religion, corruption, and the rule of law. *Journal of Money, Credit and Banking*, 45(5): 757–779.
- Pellegrini, L. and Gerlagh, R. (2008), Causes of corruption: a survey of cross-country analyses and extended results, *Economics of Governance*, 9: 245–263.
- Reich, W. (2007), Deliberative democracy in the classroom: A sociological view, *Educational Theory*, 57(2), 187-197.
- Rivas, M.F. (2012), An experiment on corruption and gender, *Bulletin of Economic Research*, 65(1): 10–42.
- Rose-Ackerman, S. (1999), *Corruption and Government: Causes, Consequences and Reforms*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Saha, S., Gounder, R. and Su, J.J. (2009), The interaction effect of economic freedom and democracy on corruption: a panel cross-country analysis, *Economics Letters*, 105(2): 173–176.
- Sampson, S. (2019), Anti-Corruption: WhoCares? in S. Arvidsson (ed.), *Challenges, in Managing Sustainable Business*, pp. 277-294. https://doi.org/10.1007/978-3-319-93266-8_12.
- Sandholtz, W. and Koetzle, W. (2000), Accounting for corruption: economic structure, democracy, and trade, *International Studies Quarterly*, 44(1): 31–50.
- Sandholtz, W. and Taagepera, R. (2005), Corruption, Culture, and Communism. *International Review of sociology*, 15(1): 109-131.
- Serra, D. (2006), Empirical determinants of corruption: a sensitivity analysis, *Public Choice* 126(1-2): 225–256.
- Sharafutdinova, G. (2010), What explains corruption perceptions? The dark side of political competition in Russia's regions, *Comparative Politics*, 42(2): 147–166.
- Shieh, S. (2005), The rise of collective corruption in China: the Xiamen smuggling case, *J Contemp China*, 12 (42):67–91.
- Stijns, J.P. (2006) “Natural Resource Abundance and Human Capital Accumulation.” *World Development*, 34 (6), 1060-1083.
- Swamy, A., Knack, S., Lee, Y. and Azfar, O. (2001) Gender and corruption, *Journal of Development Economics*, 64(1): 25–55.

- Tanzi, V. (1998), Corruption around the world: causes, consequences, scope, and cures, *Staff Papers-International Monetary Fund*, pp. 559–594.
- Tian H (2001), A study of the crime of sheltering or pampering mafia-like gangs, *J Hunan Publ Secur Coll*, 13(4):11–19.
- Transparency International (2020) Corruption Perceptions Index 2020: Frequently Asked Questions (online) available at: https://images.transparencycdn.org/images/2020_CPI_FAQs_ENv2.pdf
- Treisman, D. (2000), The causes of corruption: a cross-national study, *Journal of Public Economics*, 76(3): 399–457.
- Treisman, D. (2007), What have we learned about the causes of corruption from ten years of cross-national empirical research? *Annual Review of Political Science*, 10: 211–244.
- Truex, R. (2011), Corruption, attitudes, and education: survey evidence from Nepal, *World Development*, 39(7): 1133–1142.
- Uslaner, E. M. (2017), *The Historical roots of Corruption; Mass Education, Economic Inequality and State Capacity*, UK: Cambridge University Press.
- Vinterek, M. (2010), How to live democracy in the classroom, *Education Inquiry*, 1(4), 367-380.
- Wang, p. (2012), The rise of the Red Mafia in China: a case study of organized crime and corruption in Chongqing, *Trends Organ Crime* (2013), 16:49–73. DOI 10.1007/s12117-012-9179-8.
- Zhang SX, Chin K (2008), Snakeheads, mules, and protective umbrellas: a review of current research on Chinese organized crime, *Crime Law Soc Chang* 50(3):177–95.

منابع آنلاین

- http://barrolee.com/data/oup_download_b.htm (Frequently)
- <http://uis.unesco.org> (Frequently)
- <https://data.worldbank.org> (Frequently)
- <https://www.transparency.org> (Frequently)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی